مشاوره حقوقی

# اگر می خواهید از ایست پلیس راحت باشید

**علوی**- خوانندگان عزیز روزنامه خراسان شمالی می توانند سوالات حقوقی خود را طی تماس با دفتر روزنامه مطرح کنند تا پاسخ آن ها را از کارشناسان جویا شویم. در این شماره «نبی ا... داوری» وکیل پایه یک دادگستری به سوال یکی از خوانندگان پاسخ می دهد.

## در صورت انجام چه تخلفاتی وسیله نقلیه توقیف می شود؟

یکی از مواردی که عموم مردم به صورت روزمره خواسته یا ناخواسته با آن درگیر هستند تخلفات راهنمایی و رانندگی است و اطلاع نداشتن از قوانین، بعضی از افراد متخلف را وادار به واکنش در مقابل ماموران راهنمایی و رانندگی می کند که این موضوع گاهی منجر به ارتکاب جرایم متعددی می شود.قانون گذار در قوانین مربوط به صورت شفاف مواردی را که ماموران اجرا را ملزم به اعمال قانون می کند احصا و ضمانت اجرایی آن را نیز وضع کرده است.موارد توقیف وسایل نقلیه طبق قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی به این شرح است و در غیر از موارد مذکور به هیچ وجه خودرو به پارکینگ نخواهد رفت.

۱- تصادفات منجر به جراحت یا فوت؛ در این فرض در واقع جدا از وضعیت قربانی، وسیله نقلیه ای که باعث ارتکاب تخلف یا جرم شده است به ناچار باید متوقف شود.

۲- رسیدن جریمه یا خلافی به یک میلیون تومان؛ به نظر می‌رسد به دلیل اعمال ابزار بازدارندگی قانون گذار این سقف را تعیین کرده است.

۳- در صورت همراه نداشتن مدارک؛ البته در صورت همراه داشتن شناسنامه خودرو توقیف نمی شود و شناسنامه دریافت و راننده موظف می شود سریع مدارک را به مامور برساند.

۴- رانندگی بدون گواهینامه.

ارتکاب «همزمان» دو تخلف از موارد ذیل هم باعث توقیف وسیله نقلیه می شود: ۱- حرکات نمایشی مثل دورزدن درجا و تک چرخ موتورسیکلت ۲- تجاوز از سرعت مجاز تا ۳۰ کیلومتر ۳- سبقت غیرمجاز در راه‌های دوطرفه ۴- عبور از چراغ قرمز ۵- حرکت به‌طور مارپیچ ۶- تجاوز به چپ از محور راه ۷- توقف در محل پارک ممنوع (به شرط عدم حضور راننده)؛ در این مورد حتی اگر خودرو حمل شود و سوار بر جرثقیل حامل باشد و راننده یا مالک تقاضای تحویل خودرو را بنماید مامور مکلف است خودرو را تحویل دهد و جریمه نقدی کند. ۸- توقف داخل پیاده رو (به شرط عدم حضور راننده).

# اختلال یادگیری

**گروه اجتماعی**- اختلال یادگیری یک اختلال روان شناسی ناشی از تفاوت‌های عصب شناختی مغز در پردازش اطلاعات است که به شدت روی توانایی شخص برای یادگیری مهارت‌های خاصی تاثیر می‌گذارد. در واقع این اختلال ناشی از تفاوت‌های واقعی در شیوه پردازش، شناخت و استفاده از اطلاعات در مغز است. همه افراد با یکدیگر در زمینه توانایی‌های یادگیری، تفاوت‌هایی دارند اما افرادی که دچار این اختلال هستند، با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

هیچ درمان قطعی برای این مشکل وجود ندارد. برنامه‌های آموزشی تا حدود زیادی به حل این مشکل کمک می‌کند اما تبعات این اختلال ممکن است تا آخر عمر همراه شخص باشد. افراد دارای اختلال یادگیری ممکن است با مشکلات زیادی در مدرسه یا محل کار مواجه باشند. همچنین اختلال یادگیری روی زندگی شخصی و روابط اجتماعی فرد مبتلا به شدت تاثیرگذار است.

دانش‌آموزانی که اختلال یادگیری دارند، به آموزش‌های فردی ویژه و متناسب با نیازشان نیاز دارند.

اولین علایم اختلال یادگیری با مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه مشخص خواهد شد. والدین و معلمان پیش‌دبستانی جزو اولین افرادی هستند که علایم و نشانه‌های این اختلال را در کودکان تشخیص می‌دهند. این کودکان ممکن است دچار مشکلاتی در مهارت‌های اساسی مانند خواندن و نوشتن باشند. مشکل در یادگیری ریاضی، نوشتن و زبان ممکن است از نشانه‌های اختلال یادگیری باشد.

بعضی از دانش‌آموزان ممکن است برخی مهارت‌های پایه را به سرعت یاد بگیرند اما در یادگیری برخی مهارت‌های دیگر مانند حل مسئله یا تکالیف مدرسه دچار مشکل باشند. زندگی با این اختلال و مشکلات آن برای والدین و کودکان، کار بسیار سخت و دشواری است.

دانش‌آموزانی که اختلال یادگیری دارند، نیاز به آموزش‌های فردی ویژه و متناسب با نیازشان دارند تا از بقیه همکلاسی‌ها و هم سن و سالان خود عقب نمانند و بتوانند به صورت عادی زندگی کنند.در تشخیص اختلال یادگیری، تفاوت از طریق سنجش تعیین می‌شود تا نمرات مربوط به آزمون پیشرفت تحصیلی و میزان تسلط کودک در مهارت‌های خاصی مانند خواندن، نوشتن و محاسبات ریاضی یا نمرات آزمون آی کیو یا ضریب هوشی کودک مشخص شود.

۷ سال اول

# داستان سجل

## ماجرای پر خاطره و شنیدنی «نام» های قدیمی مادر بزرگ و پدربزرگ‌های‌مان

**علوی**

صدای پدربزرگ هنوز در گوشش است. آن روز را همه به خاطر دارند، روزی که نوزاد کوچک و دوست داشتنی پس از سال ها انتظار همه فامیل پا در جهان هستی گذاشت و صدای خنده و قهقهه به خانه جانی تازه بخشید و رنگ شادی روی در و دیوار خانه پاشید. پدربزرگ و مادربزرگ تسبیح به دست پشت در اتاق دعا می کردند، یک چشم شان اشک بود و چشم دیگرشان امید. با شنیدن صدای گریه نوزاد، اشک شوق از چشم های شان جاری شد. پدر بزرگ بی معطلی ساعت به دنیا آمدن نوزاد و روز و تاریخ آن را پشت قرآن بزرگی که جلد قدیمی داشت، نوشت و او را «محمد» نامید.

آن روزها خبری از شناسنامه و کارت ملی هوشمند نبود؛ هر کودکی که به دنیا می آمد، تنها سند مکتوب از زمان دقیق به دنیا آمدنش، همین نوشتن تاریخ تولد در کتاب ها بود که بزرگ ترها به یادگار می گذاشتند.سال ها روال همین بود تا زمانی که راه اندازی اداره ثبت سجل در کشور در سال ۱۲۹۷ به تصویب رسید و اداره‌ای به نام سجل احوال در وزارت داخله وقت به وجود آمد. بعد از تشکیل این اداره، اولین شناسنامه با شماره یک در بخش ۲ تهران در تاریخ ۳دی ۱۲۹۷ هجری شمسی به نام فاطمه ایرانی صادر و از آن پس اداره سجل زیر نظر شهرداری های کشور تشکیل شد. البته بماند که پس از تشکیل این اداره هم به گفته ریش سفیدان برخی خانواده ها مقید نبودند که بلافاصله بعد از به دنیا آمدن فرزندشان به دنبال تهیه سجل باشند و برخی ها پس از چند سال برای تهیه آن اقدام می کردند و به همین دلیل نیز تاریخ تولد برخی افراد قدیمی چندان درست نیست و حتی برخی نیز زمانی که فرزند خردسال شان فوت می شد، شناسنامه او را برای فرزند بعدی خود نگه می داشتند.یکی از شهروندان قدیمی در این باره اظهارمی کند: در زمان های قدیم ماموران سجل در ساعت های اداری در خانه ها را می کوبیدند و با پرسش از رئیس خانواده، اوراق را پر می کردند، هر چند اغلب خانواده ها در منازل خود را به روی ماموران سجل نمی گشودند.

«شیخ زاده» ادامه می دهد: زمانی که نوزادی به دنیا می آمد نام او را در حاشیه کتاب های مختلف به خصوص قرآن می نوشتند. زمانی که فردی هم از دنیا می رفت، فقط تاریخ وفات و نامش را روی سنگ قبرش حک می کردند. وی می گوید: آن موقع هر خانواده ای بسته به فعالیت و حرفه ای که داشت برای خود نام خانوادگی انتخاب می کرد؛ به عنوان مثال اگر فردی خیاط بود و اجدادش نیز به همین حرفه مشغول بودند فامیلی خود را «خیاط زاده»، «خیاط پور» و مانند این ها انتخاب می کرد.

شهروندی دیگر هم بیان می کند: در زمان های قدیم سجل برای ثبت ولادت یا وفات وجود نداشت و هر خانواده ای به تناسب و فراخور سواد و فرهنگ خود هنگام به دنیا آمدن فرزندان شان نام آن ها را انتخاب و این نام ها را در جایی ثبت می کردند، اگر هم بی سواد بودند از فردی می خواستند پشت جلد قرآن تاریخ ولادت را برای شان ثبت کند و در این بین برخی ها اهمیتی به این کار نمی دادند و ثبت دقیق تاریخ ولادت برای شان اهمیت چندانی نداشت.

«یزدانی» می گوید: آن موقع بیشتر بزرگ ترهای فامیل برای نوزادان تازه به دنیا آمده نام انتخاب می کردند و این نام بیشتر از اسامی ائمه اطهار(ع) یا بزرگان خانواده که فوت شده بودند، انتخاب و بعد در حاشیه قرآن نوشته می شد. وی ادامه می دهد: زمانی که اداره سجل تشکیل شد برخی خانواده ها با رغبت زیادی به منظور گرفتن سجل برای فرزندان خود اقدام کردند اما در این بین افراد زیادی هم بودند که از ثبت این کار در مراکز دولتی آگاهی نداشتند و حاضر نبودند به راحتی اطلاعات خانوادگی خود را در اختیار آن ها بگذارند.

شهروندی که پدرش مامور سجل بود، می گوید: پدرم برای ثبت ولادت ها و وفات ها به نقاط دور افتاده و صعب العبور با خودروهایی مانند لندرور می رفت و در خانه کدخدای روستا اقامت می کرد و کدخدا در مسجد اعلام می کرد که مامور سجل آمده است و هر فردی که برای فرزندش سجل تهیه نکرده است به مسجد مراجعه کند.

وی می افزاید: پدرم چند روز در روستاهای محل ماموریت خود اقامت می کرد و پس از آن که ولادت ها و وفات ها را ثبت می کرد، برمی گشت و زمانی که می آمد کیف بزرگی همراه خود داشت که پر از شناسنامه، فرم های مخصوص، استمپ و مهر و آن چه را که لازم بود در فرم ها بنویسد، در خانه می نوشت و به اداره تحویل می داد.

این شهروند خاطرنشان می کند: آن زمان برخی مردم داوطلبانه برای گرفتن سجل اقدام نمی کردند، فرصت آن را نداشتند یا در مناطق روستایی و مرزی زندگی می کردند و آن قدر برای شان اهمیت نداشت که برای گرفتن سجل به شهر بیایند و متحمل زحمت و هزینه فراوان شوند از این رو ماموران سجل طبق حوزه های انتخابیه تعریف شده خود به مناطق مشخصی می رفتند و احوال مردم آن دیار را ثبت و ضبط می کردند.

وی خاطرنشان می کند: حتی یک بار من و مادرم نیز همراه با خواهر و برادرهایم با پدرم به منطقه ایوب رفتیم تا در آن جا اقامت کنیم و طی این مدت پدرم برای اهالی آن جا سجل تهیه کند اما آن زمان جاده دسترسی به ایوب وضعیت بدی داشت و به دلیل آن که فصل زمستان و برف سنگینی هم باریده بود به ناچار چندین ساعت در حاشیه جاده در خودرو ماندیم و سرمای شدیدی را احساس کردیم تا این که چند نفر از اهالی برای کمک آمدند.

وی بیان می کند: آن موقع وسیله رفت و آمد در دسترس نبود و ماموران یادداشت احوال با زحمت فراوان خود را به مناطق مختلف و دور افتاده می رساندند.

وی می گوید: پدرم سعی می کرد در هر بار رفتن خود به مناطق دورافتاده همه امور مربوط به ثبت و ضبط و تاریخ دقیق ولادت ها و وفات ها را ثبت کند، در این مدت آن هایی که شناسنامه شان به تعویض نیاز داشت یا می خواستند شناسنامه شان را عکس دار کنند آن را به ماموران می دادند و آن ها شناسنامه را به اداره می بردند و کارهای مربوط را انجام می دادند و در نوبت بعدی آن را تحویل می دادند.

وی می گوید: از پدرم بارها شنیده بودم که در مناطق دورافتاده بیشتر اهالی اسامی فرزندان خود را در هنگام ثبت سجل به گویش محلی و بومی انتخاب می کردند که تلفظ آن برای عامه مردم سخت بود، برخی ها اصرار بر این داشتند که حتماً همان نام را بگذارند که برگرفته از نام بزرگان شان بود و برخی هم با توضیحاتی که ماموران سجل می دادند، قانع می شدند و نام دیگری را انتخاب می کردند زیرا برخی نام ها حاکی از صفت های چندان مناسبی نبود و به همین دلیل راهنمایی می شدند تا نامی را انتخاب کنند که فرزندشان در آینده به آن افتخار کند.

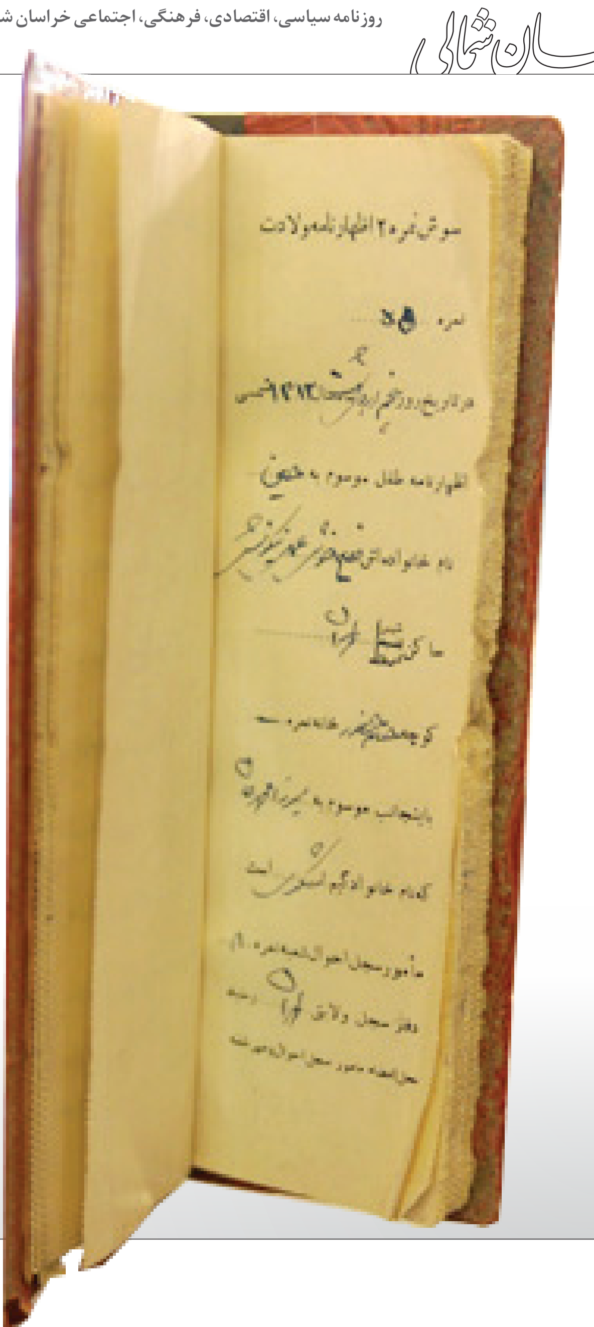

بیشتر بدانیم

# کودکی هوشمند را آرزوم

**گروه اجتماعی**- تغذیه با شیر مادر جلوی بروز بسیاری از اختلالات را می گیرد و احتمال بروز علایم کمبود ویتامین A را در کودک کاهش می‌دهد. این ویتامین نه تنها در رشد و تکامل بینایی دخالت دارد بلکه برای جلوگیری از عفونت های تنفسی نیز بسیار مهم است. دردهای کولیکی (قولنج های دوران کودکی) از شکایات شایع در کودکان است. این دردها در کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند به طور محسوس کمتر است. همچنین راه رفتن و دندان در آوردن در چنین کودکانی سریع تر صورت می‌گیرد و ضریب هوشی و قدرت فراگیری این کودکان در تمام مقاطع سنی بیشتر است.شیردهی، کالری مصرفی در بدن مادر را افزایش می‌دهد. مادران شیرده ۵۰۰ تا ۸۰۰ کیلوکالری بیشتر از مادران غیر شیرده می‌سوزانند، حتی زمانی که فعالیت کاملاً مشابهی دارند، هیچ نیازی هم به رژیم گرفتن ندارند. در واقع رژیم لاغری به مادری که در ۶ ماه اول شیردهی قرار دارد، اصلاً توصیه نمی‌شود. به این ترتیب مادر شیرده می‌تواند هفته‌ای ۵۰۰ تا ۸۰۰ گرم وزن کم کند؛ کاری که یک رژیم لاغری نسبتاً سخت برای شما انجام می‌دهد.خطر پیشرفت پوکی استخوان در مادرانی که کودک شان شیرخشک می‌خورد، چهار برابر بیشتر از مادرانی است که شیردهی داشته‌اند. علت آن این است که در شیردهی برای تامین کلسیم از منابع کلسیم استخوان ها استفاده می‌شود. این تخریب و ساخت مجدد استخوان‌ها باعث تقویت آن هاو مقاوم‌تر شدن شان در برابر بیماری پوکی استخوان خواهد شد.

الو پزشک

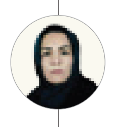

# درمان بیماری پروستات

**گروه اجتماعی**- پروستات غده کوچکی زیر مثانه است که به طور طبیعی بعد از ۵۰ سالگی بزرگ می شود. یک پزشک طب سنتی درباره شیوه های درمان این عارضه بیان می کند: مصرف گیاهان دارویی و مواد غذایی در درمان بزرگی پروستات بسیار موثر است. دکتر «سیمین جان نثار» اظهارمی کند: مواد غذایی مانند هویج، چغندر، شلغم، کنگر، انواع کلم، سویا، گریپ فروت، کیوی، هندوانه، گوجه فرنگی، آجیل، تخمه آفتابگردان، بادام و جوانه گندم برای درمان این عارضه مفید است.

وی می افزاید: داروهای گیاهی موثری مانند گزنه، دانه کتان، شیرین بیان، چای سبز و تخم کدو هم برای درمان این عارضه مفید است. به گفته وی، انجام فعالیت های ورزشی منظم به ویژه پیاده روی روزانه هم در این مورد بسیار مفید است.

# لوبیا پلو با مرغ

آشپزی

**مواد لازم** سینه مرغ یک عدد، لوبیا سبز ۲۰۰ گرم، برنج خام ۲ پیمانه، رب گوجه فرنگی ۲ قاشق غذاخوری، پیاز داغ۳ قاشق غذاخوری، زعفران، نمک، فلفل و زردچوبه به مقدار لازم.

**طرز تهیه** ابتدا سر و ته لوبیا سبزها را با چاقو می بریم و بعد به اندازه دلخواه خردشان می کنیم.حالا لوبیا سبزها را داخل قابلمه می ریزیم و کمی آب هم به آن اضافه می کنیم. مقدار آب نباید زیاد باشد چون ما نمی خواهیم بعد از پختن لوبیا سبزها آب اضافه بیاید و مجبور شویم آب آن را دور بریزیم.بعد از این که لوبیا پخت و آب آن هم کشیده شد یک قاشق پیاز داغ و کمی نمک به آن اضافه می کنیم و کمی آن را تفت می دهیم. نباید لوبیاسبزها خیلی نرم شوند چون ممکن است در فرایند دم کشیدن برنج شکل شان را از دست بدهند.حالا نوبت به پخت مرغ می رسد پس مرغ را خرد می کنیم. در صورتی که مرغ هنوز کمی یخ زده باشد خیلی راحت به هر شکل و اندازه ای که بخواهیم می توانیم آن را برش بزنیم.حالا بقیه پیاز داغ، روغن، فلفل، زردچوبه و مرغ خرد شده را داخل ماهیتابه می ریزیم و مواد را با هم تفت می دهیم تا مرغ تغییر رنگ بدهد و کمی مزه بگیرد.بعد حرارت را ملایم می کنیم و در ماهیتابه را می گذاریم و اجازه می دهیم مرغ بپزد. در صورتی که تکه های مرغ کوچک باشد مرغ خیلی زود با آب خودش می پزد.حالا رب را به مرغ پخته شده اضافه می کنیم و آن را تفت می دهیم تا رب سرخ شود و از خامی دربیاید. به مقدار کافی نمک هم اضافه می کنیم.بعد از سرخ شدن رب لوبیاسبز پخته شده را به مرغ اضافه می کنیم.حالا کمی آب به مایه لوبیا پلو اضافه می کنیم فقط برای این که مایه کمی به خورد هم برود و شکل بگیرد و راحت تر به خورد برنج برود. مایه لوبیا پلو را با برنجی که آبکش کرده ایم مخلوط می کنیم و داخل قابلمه ای که کمی روغن کف آن ریخته ایم پخش می کنیم و یک سوم فنجان آب هم دور تا دور قابلمه می ریزیم تا برنج مان خوب دم بکشد و بعد برای نیم ساعت تا سه ربع برنج را در حالت دم قرار می دهیم.

دوربین اجتماعی

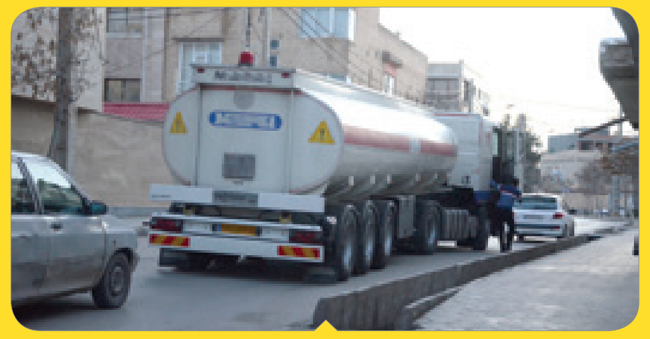

# «غول» بیابان در شهر

**گروه اجتماعی- ترافیک روان است و انگار هیچ مشکلی وجود ندارد اما خودروهای سنگین در کنار و البته پشت خودروهای سبک به آرامی در حال حرکت هستند. با این که عرض خیابان کم است اما برخی خودروها در معابری که نباید تردد کنند، رفت و آمد می کنند آن هم در خیابانی که چندین مدرسه ابتدایی و راهنمایی در آن قرار دارند و محل رفت و آمد دانش آموزان و ممکن است حادثه ای ناگوار پیش آید.**

# آگهی مزایده

زوجه: معصومه ناظمی، نام پدر: عباسعلی، تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۰۵/۲۷، شماره ملی: ۰۶۳۹۴۶۷۱۲۱، به نشانی: اسفراین- خیابان طالقانی۴- پلاک ۲۷ بدهکار: سیدامین حسینی، نام پدر: رضا، تاریخ تولد: ۱۳۶۱/۰۶/۳۰، شماره ملی: ۰۶۳۹۴۴۱۶۰۲، به نشانی: اسفراین خیابان شید طیبی جنب کوچه شهید عباسی مورد مزایده و محل آن: ۱- پنج سهم مشاع از یکصد و هفده سهم ششدانگ پلاک ۱۴۷۲ فرعی از ۷۱ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه ۵۳۴ دفتر ۶۶ ذیل ثبت ۸۴۱۴ نام مرحوم سیدفضل حسینی ثبت و سند مالکیت صادر و سهم الارث مدیون سیدامین حسینی که برابر گواهی حصر و وراثت به شمارات ۹۷۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۴۱۹-۱۳۹۷/۰۵/۰۱ و ۹۶۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۲۹۰-۱۳۹۶/۰۴/۱۱ شورای حل اختلاف اسفراین جزو ورثه می باشد، بازداشت شده و ششدانگ محدود به حدود ذیل است: شمالاً: به طول ۱۰/۶۰ متر دیواریست به باقی مانده ۹۰ فرعی دوم: ۲/۶۰ متر دیواریست به باقی مانده شرقاً: به طول ۵ متر، دوم: ۴/۵ متر سوم: ۶/۲۰ متر درب و دیوار به کوچه جنوباً به طول:۳/۷۵ متر دیواریست به ۹۱ فرعی و غرباً به طول ۲/۹۵ دوم: ۳ متر سوم: ۰/۹ متر چهارم: یک متر پنجم:۳/۵ متر ششم: ۵/۳۰ متر دیواریست به دیوار منزل ۱۰۶ فرعی حقوق ارتفاقی ندارد به مساحت ۱۱۰/۷۳ مترمربع و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ ۳/۸۵۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده و به صورت یک باب منزل مسکونی در یک سقف و قدیمی ساز می باشد دارای امتیازات آب، برق و گاز واقع در اسفراین ضلع جنوبی مسجد جامع بعد از کوچه می باشد که در قبال ۱۶۴/۸۲۹/۰۵۹ ریال قسمتی از طلب بستانکار ۲- پنج سهم مشاع از یکصد و هفده سهم ششدانگ پلاک ۱۰۶ فرعی از ۷۱ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ به نام مرحوم سیدفضل حسینی ثبت و سند مالکیت صادر و سهم الارث مدیون سیدامین حسینی که برابر گواهی حصر و وراثت به شمارات ۹۷۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۴۱۹-۱۳۹۷/۰۵/۰۱ و ۹۶۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۲۹۰-۱۳۹۶/۰۴/۱۱ شورای حل اختلاف اسفراین جزو ورثه می باشد، بازداشت شده و ششدانگ محدود به حدود ذیل است: شمالاً: به طول ۱۴/۶۵ متر درب و دیوار به کوچه شرقاً: به طول اول: ۸/۸۰ متر به منزل ۹۰ فرعی، دوم: ۵/۲۰ متر سوم: ۴/۹۵ متر به منزل ۱۴۷۲ فرعی جنوباً به طول اول: ۵/۳۰ متر دوم: ۰/۳۰ و سوم: ۲/۳۰ متر به دیوار منزل ۹۱ باقری غرباً به طول اول: ۱۲/۳۰ به پلاک ۱۰۵ فرعی و دوم: به طول ۱۲/۳۰ و سوم: ۶/۶۰ متر دیواریست به زمین مالک پلاک ۱۰۵ فرعی حقوق ارتفاقی ندارد ضمناً در اجرای مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی مقداری از مورد ثبت به نام غیرسند صادر شده است و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ ۷/۹۷۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده و در طبقه اول به صورت مسکونی (به صورت اجاره واگذار شده است) و در طبقه همکف به صورت تجاری (به صورت اجاره واگذار شده است) می باشد و دارای امتیازات آب، برق و گاز واقع در اسفراین ضلع جنوبی مسجد جامع می باشد که در قبال ۳۴۰/۷۲۶/۴۹۵ ریال قسمتی از طلب بستانکار ۳-اول: یک دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۱۰۵ فرعی از ۷۱ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه ۹۷ دفتر ۱۱۶ ذیل ثبت ۱۷۷۹۹ نام مرحوم سیدفضل حسینی ثبت و سند مالکیت صادر گردیده است. دوم :یک دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۱۰۵ فرعی از ۷۱ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه ۱۰۶ دفتر ۱۱۶ ذیل ثبت ۱۷۸۰۲ نام مرحوم سیدفضل حسینی ثبت و سند مالکیت صادر گردیده است. سوم: چهارسهم از هجده سهم ششدانگ پلاک ۱۰۵ فرعی از ۷۱ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه ۱۰۳ دفتر ۱۱۶ ذیل ثبت ۸۰۷۹۱۵ نام مرحوم سیدفضل حسینی ثبت و سند مالکیت صادر گردیده است. چهارم: دو سهم از هجده سهم ششدانگ پلاک ۱۰۵ فرعی از ۷۱ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه ۱۰۰ دفتر ۱۱۶ ذیل ثبت ۸۰۷۹۱۴ نام مرحوم سیدفضل حسینی ثبت و سند مالکیت صادر گردیده است و سهم الارث مدیون سیدامین حسینی که برابر گواهی حصر وراثت به شمارات ۹۷۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۴۱۹-۱۳۹۷/۰۵/۰۱ و ۹۶۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۲۹۰-۱۳۹۶/۰۴/۱۱ شورای حل اختلاف اسفراین جزو ورثه می باشد، بازداشت شده و ششدانگ محدود به حدود ذیل است: شمالاً: دیواریست به راه عام شرقاً: به دیوار منزل ۱۰۶ شرف خانم جنوباً به دیوار منزل ۹۱ میرزا غرباً دیواریست به جای دکاکین ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ غلامرضا باقری حقوق ارتفاقی ندارد ضمناً در اجرای مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی مقداری از مورد ثبت به نام غیر سند صادر شده است و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ ۸/۹۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده مشخصات ملک: چهار دربند تجاری- واقع در همکف که در اجراء می باشند و دارای امتیازات آب، برق و گاز واقع در اسفراین ضلع جنوبی مسجد جامع بعد از کوچه می باشد که در قبال ۲۳۵/۳۵۶/۱۲۵ ریال قسمتی از طلب بستانکار ۴- پنج سهم مشاع از هجده سهم ششدانگ پلاک ۴۲۱۳ فرعی از ۶۴ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه ۲۴۴ دفتر ۲۹۲ ذیل ثبت ۴۳۵۶۵ نام مرحوم سیدرضا حسینی ثبت و سند مالکیت صادر و سهم الارث مدیون سیدامین حسینی که برابر گواهی حصر و وراثت به شمارات ۹۷۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۴۱۹-۱۳۹۷/۰۵/۰۱ و ۹۶۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۲۹۰-۱۳۹۶/۰۴/۱۱ شورای حل اختلاف اسفراین جزو ورثه می باشد، بازداشت شده و ششدانگ محدود به حدود ذیل است: شمالاً: به طول ۵/۸۰ متر درب و دیوار به راه پله شرقاً: به طول ۴/۶۰ متر به ملک مجاور شماره ۵۱۴ اصلی جنوباً به طول ۵/۸۸ متر به حریم جوی غرباً ۵/۷۰ متر دیوار به دیوار است به کوچه حقوق ارتفاقی دارد سقف و کف مشترک است. ضمناً مورد ثبت دارای یک باب انباری به مساحت ۴۰۰/۱۴ مترمربع می باشد و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ ۲/۴۷۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده و در دو طبقه انباری و تجاری- همکف و زیرزمین که هر دو طبقه در اجاره می باشد و دارای امتیازات آب، برق و گاز واقع در اسفراین ضلع جنوبی مسجد جامع می باشد که در قبال ۶۸۸/۶۱۱/۱۱۱ ریال قسمتی از طلب بستانکار ۵- پنج سهم مشاع از یکصد و هفده سهم از نود و هشت هزار و هفتصد و سی و شش سهم مشاع از شانزده میلیون و چهارصد و چهارده هزار سهم ششدانگ پلاک ۱۲ فرعی از ۹ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ ذیل صفحه و دفتر و ذیل ثبت ندارد (جاری است) نام مرحوم سیدرضا حسینی ثبت می باشد و سهم الارث مدیون سیدامین حسینی که برابر گواهی حصر و وراثت به شمارات ۹۷۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۴۱۹-۱۳۹۷/۰۵/۰۱ و ۹۶۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۲۹۰-۱۳۹۶/۰۴/۱۱ شورای حل اختلاف اسفراین جزو ورثه می باشد، بازداشت شده و حدود اربعه مشخص نمی باشد. برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده و در دو طبقه انباری و تجاری- همکف و زیرزمین که هر دو طبقه در اجاره می باشد و دارای امتیازات آب، برق و گاز واقع در اسفراین ضلع جنوبی مسجد جامع می باشد که در قبال ۵۳/۹۸۴ ریال قسمتی از طلب بستانکار۶- پنج سهم مشاع از یکصد و هفده سهم از صدو شصت و سه هزار و صدو شصت و هشت سهم مشاع از پانزده میلیون و ششصد و دوازده هزار سهم ششدانگ پلاک ۵۷ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۵ بجنورد باستثنای یک هشتم بهای عرصه و اعیان که ششدانگ به نام مرحوم سیدرضا حسینی ثبت می باشد و سهم الارث مدیون سید امین حسینی که برابر گواهی حصر و وراثت به شمارات ۹۷۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۴۱۹-۱۳۹۷/۰۵/۰۱ و ۹۶۰۹۹۷۵۸۹۶۱۰۰۲۹۰-۱۳۹۶/۰۴/۱۱ شورای حل اختلاف اسفراین جزو ورثه می باشد، بازداشت شده و حدود اربعه مشخص نمی باشد. برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ به مبلغ ۷۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده و در دو طبقه انباری و تجاری- همکف و زیرزمین که هر دو طبقه در اجاره می باشد و دارای امتیازات آب، برق و گاز واقع در اسفراین ضلع جنوبی مسجد جامع می باشد که در قبال ۳۳۹/۴۴۸ ریال قسمتی از طلب بستانکار در پرونده اجرایی کلاسه ۹۸۰۰۱۳۹ در روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در محل شعبه اجرای ثبت اسناد اسفراین از طریق مزایده حضوری نقد به فروش می رسد، مزایده از مبلغ پایه ارزیابی شروع و به بالاترین رقمی که خریدار داشته باشد فروخته می شود و هزینه های سند انتقال اعم از عوارض شهرداری مالیات دارایی و دیگر ادارات ذی ربط مشخص نبوده و به عهده برنده مزایده و تنظیم سند انتقال منوط به ارائه مفاصا حساب می باشد و اجرای ثبت تکلیفی در تخلیه ملک مشاع نداشته و ضمنا هزینه های قانونی و اجرایی مطابق مقررات وصول می گردد و چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی گردد جلسه مزایده روز بعد از آن در همان ساعت و مکان تشکیل می گردد. **تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴**

۲۰۱/م الف

**اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین**

۹۸۱۲۱۵۹۸/و

یلدا مبارک
تالار تشریفات
تالار تشریفات
Tashrifat Hall
با ظرفیت ۹۰۰ نفر برای مراسم های ختم و یادبود و سالگرد و مراسم مذهبی
و ظرفیت ۸۰۰ نفر جهت میهمانی ها و عروس های شما عزیزان با دو سالن مجزا و آسانسور مجزا
برگزار کننده جشن ها و میهمانی های کوچک ( تولد - آش دندونی )
NEW LOCATION
میدان آزادگان / بلوار معلم / ابتدای خیابان بهارک
( طبقه بالای فروشگاه رفاه ) مدیریت عزیزی
۰۹۱۵ ۳۸۴ ۴۶۵۷